





مقدمه :

علوم انسانی، عبور از مدرنیته، نظر به اسماء الهی

خدا را شکر که کشور ما در ذیل انقلاب اسلامی در این مرحله از انقلاب در شرایطی قرار گرفته که در صدد است در راستای رجوع به علوم انسانی اسلامی، یکی از اساسی‌ترین قدم‌های خود را نسبت به اهدافی که انقلاب اسلامی مدّ نظر دارد، بردارد و از خطری که می‌رفت در فضای تهاجم فرهنگی، انقلاب در حجاب فرهنگ مدرنیته قرار گیرد، آزاد شود و اراده‌ی تحول به سوی آرمان‌های بزرگ و تحقق آن آرمان‌ها به حاشیه نرود.

باید از خود پرسیم که قرار بود به کجا برویم و اکنون در کجا هستیم و عزم کجا را داریم؟ باید از خود پرسید بعد از انقلاب تحول در ظاهر و باطن جامعه به چه میزان واقع شد؟ اگر به این سؤالات بر اساس مشهورات جواب ندهیم، تفکر در رابطه با علوم انسانی با رویکرد اسلامی شروع خواهد شد.

۱- ابتدا باید توجه داشت اگر قرآن هم در ذیل فرهنگ غربی و با نظر به تعریفی که غرب از آدم و عالم دارد قرار گیرد، دیگر قرآن، قرآنِ محمدی (صلوات‌الله‌علیه و آله) نیست. پس مشکل اصلی امروز ما نوع نگاهی است که غرب به فرهنگ و دیدگاه‌های ما تحمیل می‌کند. اگر ما بتوانیم با نگاهی که وحی الهی در اختیار بشر گذاشته به موضوعات بنگریم جهت‌گیری ما به کلی

دگرگون می‌شود. یعنی دیگر نگاه غالب در تعریف زندگی نگاهی است که بشر را مسئول می‌داند تا بیش از آن که به تغییر طبیعت پردازد به تغییر خود مشغول شود تا شایسته‌ی قرب الهی گردد. از این رو به تمدنی نظر می‌اندازیم که به جای تقابل با طبیعت، تعامل با طبیعت را پیشه می‌کند و به تکنولوژی موجود با چشم دیگری می‌نگرد. آری مسلم اگر ما از یک طرف نقادی روح فرهنگ مدرنیته را در مجامع علمی خود به میان نیاوریم، در حالی که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» فرمودند: «[باید] جرأت مناقشه در رویکرد کنونی غرب ناشی از لیبرال دموکراسی به وجود بیاید». و از طرف دیگر رجوع به خدای وجودی و اسماء الهی را مدّ نظر قرار ندهیم، نه از شیفتگی به فرهنگ غربی نجات می‌یابیم و نه شیفته‌ی خدای محمد «صلو‌الله‌علیه‌وآله» خواهیم شد که برای ما تمدن دیگری را اراده کرده‌اند، در حالی که حضرت روح‌الله خمینی «رضوان‌الله‌علیه» در هر دو صحنه - چگونگی عبور از غرب و چگونگی رجوع به تمدن اسلامی - راه را به ما نشان داده تا ما آن راه را به عنوان مبانی علوم انسانی، بیابیم و طی کنیم.

۲- علوم انسانی غربی بر مبنای پوزیتیویسم و انکار هر حقیقت غیبی و وحی الهی تدوین شده است، در حالی که نظام اسلامی نظر به ره‌یافت‌های وحی الهی دارد و تنها باید در ذیل آن به عقل و تجربه نظر کند. اگر در علوم انسانی با این منظر وارد میدان شدیم، نظریه‌های بومی و مطابق با آرمان‌های انقلاب اسلامی تولید می‌شود و انسانی به صحنه می‌آید که اهداف انقلاب اسلامی را عیناً اهداف خود می‌داند. در حالی که در علوم انسانی که مبتنی بر فلسفه‌ی مادی است نسلی تربیت می‌شود که آرمان‌های خود را در زندگی غربی جستجو می‌کند. شاخصه‌ی تفکر حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌علیه» را در کتاب‌های

ایشان می‌توان ملاحظه کرد، حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» قبل از انقلاب در کتاب‌هایشان نگاه وجودی به عالم و آدم را تدوین کرده‌اند، باید در این موضوع هم به آثار معمار انقلاب نظر کرد تا علوم انسانی صحیحی در منظر ما قرار گیرد و گرنه ادامه‌ی گذشته است.

حضرت امام همان‌طور که اراده کرده بودند نظام سیاسی کشور را به طرف حاکمیت ولایت فقیه سوق دهند و در سال ۱۳۴۷ مباحث ولایت فقیه را به صورت منظم طرح کردند، در همان راستا می‌دانستند باید در نظام حاکمیت ولایت فقیه، علوم انسانی مناسب با اهداف آن نظام به میان آید و لذا در دوران میان‌سالی خود مشغول تدوین کتاب‌هایی در این راستا شدند. در کتاب «شرح دعای سحر» موضوع نظر به اسماء الهی را طرح کردند و حقیقتاً راه بسیار اساسی را جلو ما قرار دادند که از چه منظری به عالم بنگریم و اندیشه‌های خود را تنظیم کنیم. امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در رابطه با انسان‌شناسی بر جلد هشتم و نهم اسفار تأکید فرمودند و تعلیقات بسیار ارزنده‌ای بر آن کتاب‌ها زدند که دفتر نشر آثار حضرت امام تحت عنوان معاد از نظر امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به چاپ رساند. در موضوع اخلاق و سلوک عرفان عملی نیز کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل» را تدوین کردند و در ابتدای آن متذکر شدند این کتاب - مثل سایر کتاب‌های اخلاق - نسخه نیست بلکه دارو است. با چنین رویکردی به متون اصلی اندیشه‌های حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» عملاً به فرهنگ بومی خود رجوع کرده‌ایم.

۳- ملاک تشخیص را اسلام با تعیین هدف مشخص کرده است، علمی که ما را متوجه زندگی ابدی کند و زندگی و ساز و کارهای آن را در آن راستا شکل دهد، آن علوم، علوم اسلامی است. اعم از علمی مثل حقوق و

مدیریت و یا جامعه‌شناسی و فلسفه و... آنچه مهم است شکستن روح سکولار زده‌ای است که وقتی شما موضوع توجه به حیات ابدی را در کنار علوم انسانی مطرح می‌کنید، می‌گویند این سخنان کلی است و کاربردی نیست و سپس جایگزینی را معرفی می‌کند که شدیداً دنیایی است و نقش عالم غیب در آن نادیده گرفته شده است. وقتی معلوم شود آرمان شهری که انسان اسلامی برای خود می‌خواهد راه اُنس با خدا در آن کاملاً گشوده است به‌خوبی می‌توان فهمید کدام علوم بومی و اسلامی است و کدام علوم سمت و سوی غیر الهی دارد و به تعبیر مقام معظم رهبری «حفظه‌الله»، «دانش‌های ذاتاً مسموم» هستند. ایشان در سفر خود به قم فرمودند: «این علوم انسانی که امروز رایج است محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است» و بعد تأکید کردند این علوم، افرادِ مخصوص به خود را تربیت می‌کند که چون در رأس امور قرار گرفتند به ارزش‌های نظام اسلامی وفادار نخواهند بود.

۴- ضرورت توجه به علوم انسانی در آن حد است که وقتی به تاریخ ملت‌ها بنگریم راز هلاکت هر تمدنی را می‌توان در بی‌توجهی به علوم انسانیِ فعال و با نشاط جستجو کرد. ابن‌خلدون در مقدمه‌ی مشهور خود سعی وافر نموده تا نشان دهد وقتی ملتی معنی درستی از خود نداشت، چگونه سقوط می‌کند و بهره‌ای از زندگی اجتماعی خود نمی‌برد و آنچه به یک ملت معنی می‌دهد علوم انسانی صحیح است.

آنچه هر جامعه‌ای را به حرکت وامی‌دارد چیزی بالاتر از نیازهای مادی آن جامعه است. انسان لایه‌های عمیقی دارد که در ابعاد روحانی وی نهفته است که اگر به آن‌ها پرداخته نشود چیزی نمی‌گذرد که نسبت به فعالیت‌های آینده‌دار، بی‌انگیزه می‌شود و با روحیه‌ای اکنون‌زده نسبت به بسیاری از جوانب

حیات خود بی تفاوت می گردد. وقتی انسان متوجه شد فطرتی دارد که زیبایی حیات را در انس با خدا می شناسد و مقصدی دارد که آن مقصد برگشت به خدا است و در این مسیر پیامبران راه رجوع به خدا را برای او ممکن کرده اند و با در صحنه بودن الگوهای معصوم، به پاک ترین شکل می تواند زندگی زمینی را طی کند، با یک دنیا امید و امیدواری زندگی خود را به رسمیت می شناسد و با تعلقی قلبی که به این آرمان ها پیدا می کند، زندگی خود را معنی می بخشد و چنین شرایطی را علوم انسانی در صورتی که اسلامی باشد می تواند پدید آورد. انسان شناسی، خداشناسی، کفرشناسی و شناخت حیات ابدی از اصول علوم انسانی اسلامی است که منجر به تمدن اسلامی خواهد شد. شاخه های دیگر علوم انسانی را باید در ذیل این اصول قرار داد.

۵- شیعه مسئولیت احیاء دیانت و عدالت را در ادیان ابراهیمی به عهده دارد، بدون آن که در صدد باشد مؤمنین به آن ادیان از دین و مذهب خود دست بردارند و قرآن در همین رابطه همه ی ادیان را دعوت می کند که؛ «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۴) ای اهل کتاب! همه به سوی توحید یعنی آن کلمه و سنتی جمع شویم که بین ما و شما مشترک است و آن سنتِ خداپرستی است و نپذیریم که انسان های بیگانه از خدا، بر ما حکومت کنند. آری مسلم است که وقتی انسان ها متوجه ضرورت حاکمیت ره یافت های الهی در امور خود شدند، حتماً به کامل ترین شکل از آن نوع ره یافت رجوع خواهند کرد و این است معنی آن که گفته می شود مسلمانان سنی مذهب نوار غزه با این که با دست بسته نماز می خوانند ولی مانند امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» فکر می کنند.

۶- عمده آن است که به این خود آگاهی برسیم که یافته‌های علمی در مجامع آموزشی ما باید با اهداف انقلاب اسلامی که عامل ریشه‌دار شدن ملت ما است منطبق باشد و گرنه در ظلمات فرهنگ مدرنیته گرفتار گسست تاریخی می‌شویم و دانشجوی ما نمی‌داند ایرانی و مسلمان و شیعه است یا اروپایی و آمریکایی و لائیک. نظام آموزشی امروز ما اصلی‌ترین سنگر جریان‌های غرب‌زده است و تمام امید دشمنان ما به همین علوم انسانی موجود است و از عکس‌العمل شدید دشمنان نسبت به تجدید نظر در علوم انسانی موجود، می‌فهمیم که آن‌ها راز بقای خود را در حفظ علوم انسانی موجود می‌دانند و مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» در سفر خود به قم به این دلیل بر رجوع به فلسفه تأکید کردند زیرا در نگاه اسلامی به انسان، عقل بشر مورد خطاب قرار می‌گیرد و نه امیال او و فلسفه مسئول به صحنه آوردن عقل بشری است.

۷- نظریه‌پردازی جهت تدوین علوم انسانی که مطابق اهداف انقلاب اسلامی باشد زیرساخت‌های فکری مخصوص به خود را می‌طلبد که ریشه در سنت‌های جامعه دارد و ما اصل زیرساخت‌های فکری خود را باید از اندیشه‌های همه‌جانبه و جهانی حضرت روح‌الله «رضوان‌الله تعالی علیه» استنباط کنیم که نظر به اسماء‌الله دارد و همه‌چیز را از آن منظر می‌نگرد و فکر نکنید این کار، کار سختی است، سختی آن به جهت آن است که می‌خواهیم در زمینی که فرهنگ غربی برای ما طراحی کرده این افکار را پیاده کنیم، معلوم است که نمی‌شود. آیا با عقل غربی یا راسیونال می‌توان حکمت صدرایی را به متن آموزشی علوم انسانی برگرداند و دانش‌آموزان و دانشجویان خود را به کلی از ظلمات شکاکیت نجات داد؟ وقتی اصالت را به عقل غربی دادیم چگونه می‌توانیم در آن دستگاه ثابت کنیم فرهنگ اسلامی برترین فرهنگ است؟ آیا این شبیه یک ادعای

بی‌پشتوانه نیست؟ برای انسانی که موجودیتش در محدوده‌ی تولد تا مرگ تعریف شده نمی‌توان اسلام را به عنوان بهترین راه برای دنیا و آخرتش پیشنهاد کرد، در آن فضا اسلام سخنان کلی و مبهمی است که کاربردی نمی‌باشد. چون واقعیتی که برای او محسوس است محدوده‌ی عالم ماده است و از ابعاد مجرد خود بیگانه می‌باشد و تا بر جنبه‌ی پایدار، یعنی بُعد مجرد انسان و قیامت و معاد تأکید جدی نشود، علوم انسانی به سوی عقل غربی سوق پیدا می‌کند در حالی که باز تأکید می‌کنم متون اصلی جهت معرفت به نفس و معاد به صورتی فوق‌العاده عالمانه و قابل دسترس توسط حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» تهیه شده، باید با رجوع به آن‌ها نظریه‌پردازی‌های لازم را شروع کنیم. مقام معظم رهبری «حفظ‌الله» می‌فرمایند: «اگر جای این نظریه‌پردازی (در علوم انسانی) پر نشد، نظریه‌های غیر دینی جای آن‌ها را پر خواهند کرد، هیچ نظامی در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند، یک نظام سیاسی، اقتصادی که ساخته‌ی اذهان مادی است می‌آید جایگزین می‌شود».

۸- شناخت این آسیب که بعد از انقلاب، هدایت فکری حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در مجامع فرهنگی ما، اعم از حوزه و دانشگاه، مورد غفلت قرار گرفت، یکی از کارهای اساسی است که می‌تواند ما را نسبت به تجدید حیات انقلاب اسلامی مدد برساند و راه ورود به تمدن اسلامی را هموار کند.

۹- آنچه که به نظر می‌رسد برای احیای هدایت فکری حضرت روح‌الله در مجامع فرهنگی ما مورد نیاز است داشتن یک هندسه فکری جهت رجوع به ایشان است. در ادامه به تبیین این هندسه فکری از منظر استاد طاهرزاده می‌پردازیم.

هندسه فکری :

برای آنکه مخاطبان مباحث استاد طاهرزاده بتوانند جایگاه مباحث ایشان را بشناسند و بدانند که هریک از مباحث ایشان براساس چه هدفی تنظیم شده است هندسه فکری ایشان را به طور اجمال بیان می کنیم.

اولین مورد از هندسه فکری ایشان برمی گردد به اینکه ایشان شخصیت حضرت امام خمینی را یک شخصیت اشراقی می دانند که خداوند این شخصیت را برای عبور از ظلمات دوران معاصر و نمایاندن اسلام ناب محمدی به بشر امروز هدیه کرده است.

به تعبیر مقام معظم رهبری: واقعا امام «رضوان الله تعالی علیه» انسان عجیبی بود. اصلا پیدایش و وجود این انسان با آن ابعاد، هیچ قابل تحلیل نیست؛ جز این که بگوییم تفضل الهی بود. خدای متعال، برای این که چرخشی در تاریخ و در حرکت قافله‌ی عظیم بشری به وجود بیاورد، دستی باید از غیب ظاهر می شد؛ این دست را ظاهر کرد. اگر کسی در ابعاد شخصیت و وجود امام «رضوان الله تعالی علیه» درست دقت کند، حقیقتا جز این، هیچ توجیهی ندارد.

حاصل این اعتقاد این است که باید با ادب مخصوص به شخصیت امام رجوع کرد و با کسب آمادگی های روحی و اخلاقی خود را ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام و در معرض انوار الهی که خداوند به ایشان عطا کرده قرار داد. همان چیزی که در شهدا دیده شد و توانستند هریک در موقعیت خود تفصیل حضرت امام باشند.

و اگر ما امروز در صحنه های مختلف اجتماعی اقتصادی و تربیتی جامعه با مشکلاتی روبرو شده ایم به جهت غفلت از تفصیل اندیشه حضرت امام است. براین اساس استاد مباحث خود را به گونه ای تنظیم نموده اند تا زمینه برای

رجوع تفصیلی به حضرت امام آماده شود.

دومین مورد از هندسه فکری استاد عبارت است از رجوع به اندیشه امام خمینی در راستای رجوع به حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) که مظهر جامع اسما الهی است و در این راستا ما را به سه نکته توجه می دهند:

۱- شناخت خود

۲- شناخت غرب

۳- شناخت انقلاب اسلامی

رجوع به وجود مطلق از طریق اسماء و تجلیات نوری او ممکن است و رجوع به تعین انسان‌های کامل و سیره و کلام آن‌ها، رجوع عملی به خداوند است که در حال حاضر آن تعین در وجود اقدس حضرت صاحب الزمان «عجل الله تعالی فرجه» محقق است.

همچنین در راستای رجوع الی الله که با رجوع به حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» تحقق عملی می‌یابد، درک حضوری «وجود» لازم است تا به بهانه‌ی رجوع الی الله به خدای انتزاعی و به مفهوم خدا رجوع نشود. برای چنین امری باید بتوانیم «وجود» را احساس نمائیم و معرفت نفس متکفل این امر است و بستر لازم جهت رجوع به وجود حضوری را برای ما فراهم می‌کند. زیرا در مباحث معرفت نفسی تأکید بر احساس نفس ناطقه است و نه آگاهی از نفس ناطقه.

مباحث معرفت النفس در صدد است تا مخاطب را به درک حضوری و تجربی وجود بکشانند تا از این طریق راه ارتباط با وجود مطلق را بیابد و از موجود بینی به وجود بینی سیر نماید.

اما درک حضوری وجود یک حجاب بزرگ دارد و آن غریب‌دگی و سوژ کتیوخته

است از این جهت لازم است غرب به عنوان ظلمات آخرالزمان مورد شناخت قرار گیرد. مباحث غربشناسی استاد متکفل این شناخت است. از طرف دیگر انقلاب اسلامی حاصل اشراقی است که به قلب حضرت امام شده است و آمده است تا با حاکمیت حکم معصوم زمینه ظهور معصوم فراهم گردد از این رو شناخت و درک صحیح از جایگاه انقلاب اسلامی سبب خواهد شد تا نسبت خود را با تاریخ انبیا و اولیا تصحیح نماییم.

در یک جمع بندی استاد کل مباحثی که در راستای سلوک ذیل شخصیت امام «رضوان الله تعالی علیه» عنوان کرده اند و کمک می کند تا شروعی باشد تا هرچه بیشتر اندیشه‌ی حضرت امام بروز کند را در پنج عنوان تقسیم نموده اند، که البته این ترتیب، ترتیب خواندن کتاب‌ها نیست بلکه نظر به اولویت مقاصدی است که باید دنبال شود. پنج عنوان مورد نظر عبارتند از:

۱- رجوع به حضرت «الله» به عنوان حقیقتی که هم مبدأ همه‌ی عالم است و هم مقصد همه، به همان معنایی که شما در آیه‌ی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» متذکر آن هستید، این مقصد را باید بتوانیم به صورت کاربردی در زندگی خود پیاده کنیم و حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» مسیر کاربردی رجوع به حضرت «الله» را در مقابل ملت ما قرار دادند، ما قبل از انقلاب که بی‌امام بودیم، نمی‌دانستیم راه کار رجوع به حضرت الله چگونه است. عملاً حضرت امام شیخ و راهنمای آگاه به مسیر سعادت ملت ما شدند به طوری که حق و حقیقت را از عالم غیب گرفتند و به صورت کاربردی به این ملت دادند و تأکید ایشان بر روی اصالت وجود و حکمت متعالیه و عرفان محی‌الدین در همین راستا است.

مباحث استاد در ذیل این عنوان دو رویکرد اصلی را دنبال می کند

الف - تبیین نحوه حضور خداوند در هستی که خود دارای دو بخش است :

۱- مباحثی که در جهت اثبات وجود مطرح شده که در کتب:

الف- از برهان تا عرفان

ب- اسما حسنا در یچه های نظر به حق

ج- معاد بازگشت به جدی ترین زندگی آمده است

۲- مباحثی که در جهت نفی مفهوم وجود و رجوع به اسما الهی با جنبه قلبی

تدوین شده است :

۱- آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود.

ب- مباحث سلوکی و اخلاقی که به ما کمک می کنند تا در رجوع به حق

محبوب به حجاب منیت و انانیت نباشیم زیرا تا انسان معرفتی صحیح و

سجایایی شایسته پیدا نکند رجوعی به حضرت حق نخواهد داشت کتب زیر

متکفل این مباحث هستند:

۱- فرزندان این چنین باید بود

۲- جایگاه رزق انسان در هستی

۳- چگونگی فعلیت یافتن باورهای دینی

۴- روزه

۵- ادب خیال عقل و قلب

۶- هدف حیات زمینی آدم

۷- صلوات

۸- هنر مردن

۲- دومین نکته ای که باید در راستای مقصد مورد نظر به آن توجه کنیم

نظر به ائمه ی معصومین «علیهم السلام» است به طور خاص و نظر به حضرت

مهدی «عجل الله تعالی فرجه» است به طور اخص، زیرا که آن ذوات مقدسه وسیله‌ی رجوع به حق‌اند از طریق اسماء الهی و اسماء الهی در آن‌ها متعین است و بر این مبنا به حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» به عنوان واسطه‌ی فیض الهی و حقیقی‌ترین واقعیات در عالم امکان نظر می‌شود و همان‌طور که عرض شد در همین رابطه حضرت باقر «علیه السلام» می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ وَيَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَلْيَتَوَالَ آلَ مُحَمَّدٍ وَيَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَيَأْتُمْ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَنَظَرَ إِلِيَّ اللَّهُ» هر کس مایل است بین او و خدا حاجبی نباشد تا خدا را ببیند و خداوند نیز او را مشاهده کند باید آل محمد را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزار باشد و پیرو امامی از این خانواده گردد. اگر چنین بود خدا را می‌بیند و خدا نیز او را می‌بیند.

که در اینجا استاد به تدوین کتب زیر پرداخته‌اند:

۱- مبانی نظری و عملی حب اهل البیت «علیهم السلام»

۲- حقیقت نوری اهل البیت «علیهم السلام»

۳- امام و مقام تعلیم ملایکه

۴- امام و امامت در تکوین و تشریع

۵- مقام لیل القدری حضرت فاطمه «علیها سلام»

و جمع‌بندی این مباحث در کتب:

۱- مبانی معرفتی مهدویت

۲- جایگاه و معنی واسطه فیض

۳- بصیرت و انتظار فرج

۴- عوامل ورود به عالم بقیه‌اللهی

۵- آخرالزمان شرایط ظهور باطنی‌ترین بعد هستی

۶- دعای ندبه زندگی در فردایی نورانی

۷- زیارت آل یس

۳- با نظر به معرفت نفس، راه شناخت و ادراکِ «وجود» گشایش می‌یابد تا راه رجوع به حضرت حق معلوم شود و در راستای رجوع به حضرت حق است که با مقام حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه» به عنوان واسطه‌ی فیض الهی، روبه‌رو می‌شویم.

در یک دستگاه مطمئن می‌توان با معرفت نفس و ادراکِ «وجود» شروع کرد تا امکان ادراک مقام واسطه‌های فیض که مظهر اسماء الهی است فراهم شود و با نظر به آینده‌ی وجودِ مظاهر الهی، به حضرت حق نظر شود.

کتبی که در این راستا تدوین شده است:

۱- ده نکته از معرفت النفس

۲- خویشتن پنهان

۳- آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین

۴- جوان و انتخاب بزرگ

۴- نظر به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و اندیشه‌ی امام خمینی «رضوان الله علیه»، نظر به مرحله‌ی گذار است تا در زمان غیبت، رجوع ما به حاکمیت امام معصوم مورد غفلت قرار نگیرد و در این راستا به جامعه‌ای نظر داریم که جامعه‌ی منتظر است و آن را یک زندگی می‌دانیم که باید در فرهنگ انتظار به آن پردازیم از طریق نظر به انقلاب اسلامی نه تنها متوجه حیات فعالی خواهیم شد که انقلاب اسلامی بستر آن را فراهم کرده است بلکه می‌توانیم جایگاه تاریخی

خود را نسبت به پشت کردن به غرب احساس کنیم و بدانیم اگر ما خود را از انقلاب اسلامی بیرون بکشیم گرفتار پوچ ترین نحوه حیات خواهیم شد.

در این موضوع کتب زیر به ما کمک می دهند:

۱- انقلاب اسلامی بازگشت به عهد قدسی

۲- امام خمینی و خود آگاهی تاریخی

۳- انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی

۴- جایگاه اشراقی انقلاب اسلامی در فضای مدرنیسم

۵- در راستای نظر به حق در مسیر نظر به مهدی «عجل الله تعالی فرجه» ، باید متوجهی غرب بود و نقد مدرنیته به عنوان نقد حجاب ظهور حقیقت، چیزی نیست که بشود از آن غافل شد و از عاملی که به واقع مانع تجلی ظهور حقیقت انقلاب اسلامی می شود به راحتی گذشت.

در راستای نظر به ظهور مهدی و عبور از ظلمات غرب، شناخت غرب موضوع بسیار حساسی است زیرا شناخت ذات غرب در حالی که ما فعلاً در عالم غربی قرار داریم، مثل احساس هوا است که نه به راحتی احساس می شود و نه می توان منکر آن بود، چون تمام اطراف ما را فرا گرفته، با توجه به این امر کتب این دسته تقسیم می شوند به :

الف- کتبی که کمک می کنند تا فرهنگ غربی فهمیده شود

۱- فرهنگ مدرنیته و توهم

۲- گزینش تکنولوژی از دریچه‌ی بینش توحیدی

۳- علل تزلزل تمدن غرب

ب- کتبی که با تبیین روح غربی و جهت گیری آن نشان می دهند که غرب چه

چیزی را از ما گرفته و چه چیزی به ما داده است.

۱- تمدن‌زایی شیعه

۲- کربلا؛ مبارزه با پوچی‌ها

۳- زن؛ آن گونه که باید باشد

۴- عالم انسان دینی

کتاب عالم انسان دینی بیشتر به مبانی فلسفی و عرفانی می‌پردازد و در سه کتاب دیگر به راههای عملی ایجاد آن عالم نظر دارد.

روش‌ارایه مباحث

از آنجایی که استدلال در مباحث معرفتی به تنهایی کافی نیست استدلال در مباحث محور نیست و استاد سعی می‌کنند با روش مثال زدن و نمونه دادن به تبیین موضوعات بپردازند تا مخاطب به یک درک حضوری نسبت به آن موضوع برسد و چون مخاطب به چنین درکی رسید می‌تواند بر روی آن موضوع تفکر کند از طرف دیگر از آنجایی که رجوع به موضوع وجودی است مخاطب نباید حرف را در آن موضوع تمام شده تلقی کند و باب تفکر را به روی خود ببندد. از آنجایی که استاد در صددند با طرح این مثالها عالم مخاطب تغییر کند مخاطب این مباحث نیز باید چنین رویکردی به این مباحث داشته باشد تا استفاده کامل را ببرد.

راهنمای دوره های معرفتی

براساس هندسه فکری مباحث و جهت تحقق اهداف آن دوره های معرفتی تنظیم شده است که پیشنهاد می شود کسانی که می خواهند به یک نظام فکری مناسب برسند با حوصله و بدون تعجیل در مباحث برای این دوره ها وقت مناسب در نظر بگیرند. این دوره ها به شکل زیر تنظیم شده اند.

دوره اول با مباحث :

آشتی با خدا، ده نکته از معرفت النفس، برهان صدیقین و شرح حدیث جنود عقل و جهل (۱)

هدف بحث از معرفت نفس، اولاً: توجه به حقیقتی است که در عین واقع بودن، مادی نیست و توجه به این نکته در فضای فرهنگی مدرنیته که سراسر حسگرا است بسیار لازم است. ثانیاً: با معرفت نفس به خودی خود راه نظر به حقایق غیبی به شکل حضوری ظهور می کند و مزه‌ی اُنس با حقایق غیبی معنی خود را می یابد. با کتاب «ده نکته از معرفت نفس» به صورت اجمالی باید متوجه حقیقت نفس ناطقه شویم. با کتاب «آشتی با خدا» پس از تذکرات جلسات اول تا سوم، نفس را به عنوان یک «وجود» مدّ نظر قرار می دهیم و آرام آرام مخاطب را آماده می کنند که به «وجود» فکر کند. با بحث «برهان صدیقین» معنی مراتب وجود را و جایگاه وجودی نفس ناطقه را می شناسید. براین اساس ابتدا از صوت کتاب ده نکته (البته در ابتدا نیازی به گوش دادن شرح مقدمه آن نیست) استفاده کنید سپس به شرح برهان صدیقین پردازید در کنار این دو بحث برای آنکه موانع اخلاقی رویت حق را بشناسیم صوتهای شرح حدیث جنود عقل و جهل مناسب است. مجموعاً ۵۹ ساعت برای این دوره برنامه ریزی کنید.

دوره دوم با مباحث :

حرکت جوهری (انتخابی)، معاد، بازگشت به جدی ترین زندگی (۱)،
فرهنگ مدرنیته و توهم و شرح حدیث جنود عقل و جهل (۲)

در این دوره به بحث معاد می پردازید تا انسان نفس خود را در ابدیتی آزاد از زمان و مکان ارزیابی کند در این دوره در طول ۴۴ ساعت پس از طرح کلی معاد به عنوان جدی ترین بعد زندگی به تبیین برزخ پرداخته میشود. از آنجایی که در این مسیر اگر فرهنگ غربی به عنوان حجاب رجوع به حقیقت و انس با حقیقت در میان نیاید عملاً نتایجی که می خواهیم از معرفت نفس به دست آوریم حاصل نمی شود چون طرف نمی فهمد چرا در این زمان نمی تواند با آنچه از معرفت نفس به دست آورده زندگی کند. وقتی نگاه فرهنگ مدرنیته به عالم و آدم را شناخت، حجاب رجوع به حقیقت را شناخته و عزم عبور از آن حجاب در او بروز می کند و عملاً از یک طرف معنی معرفت نفس و از طرف دیگر جایگاه انقلاب اسلامی معلوم می گردد. زیرا انقلاب اسلامی چیزی نیست جز بستر عبور از ظلمات دوران برای کسی که رجوع به حقیقت در جان او شعله ور شده. از این رو شرح کتاب فرهنگ مدرنیته و توهم شروع مناسبی است برای فهم فرهنگ غربی که در ۲۲ ساعت تنظیم شده است. برای این دوره نیز ۳۰ ساعت شرح حدیث جنود عقل و جهل تنظیم شده است.

دوره سوم با مباحث :

معاد، بازگشت به جدی ترین زندگی (۲)، چگونگی فعلیت یافتن باورهای دینی، مباحث انقلاب اسلامی و شرح حدیث جنود عقل و جهل (۳)

در این دوره ادامه بحث معاد با تبیین قیامت کبری در ۳۱ ساعت تنظیم شده است

پس از آنکه انسان متوجه شد دارای یک حضور بی زمان و بی مکان است اکنون باید بتواند این حضور را برای خود بالفعل کند در کتاب «چگونگی فعلیت یافتن باورها» نمونه‌های خوبی ارائه شد که چگونه اگر انسان گرفتار افکار و اخلاقی شد که از حضور بی‌نهایت نفس ناطقه‌اش محروم گشت، تواند در شرایط انس با روح اولیاء الهی قرار گیرد. این مباحث در ۲۲ ساعت تنظیم شده است. ۳۰ ساعت از مباحث شرح حدیث جنود عقل و جهل برای این دوره تنظیم شده است. جهت آشنایی با مباحث انقلاب اسلامی از یک ساعت شرح کتاب جایگاه اشراقی انقلاب اسلامی استفاده کنید.

دوره چهارم با مباحث :

آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود (۱)، مبانی نظری و عملی حب اهل البیت «علیهم السلام» (۱) و شرح حدیث جنود عقل و جهل (۴)

دوره پنجم با مباحث :

آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود (۲)، مبانی نظری و عملی حب اهل البیت «علیهم السلام» (۲) و شرح حدیث جنود عقل و جهل (۵)

در مبحث آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود کم کم زمینه مهیاست برای گذر از ساحت علم حصولی به حیات علم حضوری در این بحث بیشتر به موانع این عبور پرداخته می‌شود و در مبحث مبانی نظری و عملی حب اهل البیت «علیهم السلام» به عوامل آن پرداخته میشود چرا که اهل البیت «علیهم السلام» نمونه عینی چنین حیاتی هستند که از طریق حب به ایشان این حیات را نصیب خود خواهیم کرد. از این رو این مباحث در دو دوره تنظیم گردیده است.

با پایان یافتن این دوره ها ان شا الله راه نمایان شده است همان راهی که حضرت روح الله برای عبور از ظلمات دوران گشودند چرا که هر طرحی که در این دوران به سلوک ذیل شخصیت امام خمینی نینجامد نخواهد توانست مارا از مرگ جاهلیت برهاند.

نکته ۱- اساس کار باید اُنس قلبی به حقیقت باشد و علم حصولی به حقایق تنها باید مقدمه به حساب آید تا قلب راه خود را پیدا کند و بداند به کدام طرف باید قدم بگذارد، در این رویکرد تمام مباحث جای خود را پیدا می کنند. بنابراین مباحث؛ یا برای شناخت قلب است تا راه خود را برای اُنس با حقایق پیدا کند، یا شناخت موانع است، حتی شناخت موانع اخلاقی. از این رو این مباحث را باید با حوصله و دقت کار کرد و نه اینکه بخواهیم در یک دوره کوتاه این مباحث را به پایان برسانیم چرا که انس قلبی نیاز به ممارست و کار طولانی مدت است و تعجیل در این مباحث هدف اصلی آن را محقق نمی کند.

نکته ۲ - حاصل همه ی مباحث باید خود را در اُنس با قرآن و روایات نشان دهد. مباحث تفسیری و مباحثی که بر روی روایات می شود آینه ای است که نشان می دهد اگر عزم انسان اُنس با حقیقت باشد و بستر ولایت امامان را با توجه به انقلاب اسلامی شناخت و موانع اُنس را نیز با شناخت فرهنگ مدرنیته درک کرد، چقدر قرآن و روایات کارسازاند. مباحث قبلی امکان تدبّر در قرآن را برای ما فراهم می کند، به همان صورتی که قرآن در ابتدای سوره ی بقره می فرماید: «در این کتاب بدون شک هدایت متقین هست» و بعد متقین را کسی می داند که به غیب ایمان داشته باشد و در ادامه ی سوره ی بقره بحث یهودشناسی را به میان می آورد که امروز با غرب شناسی می توان آن را تطبیق داد. در هر صورت پیشنهاد میشود عزیزانی که بر روی مباحث کار کرده اند

مدتی با مباحث تفسیری و روایی مأنوس شوند تا از یک طرف ارزش مباحث مطرح شده را بشناسند و از طرف دیگر متوجه عظمت قرآن و روایت شوند که اگر با روحیه‌ی تدبّر به قرآن و روایات رجوع کنند همه‌ی حقیقت را در آن جا می‌یابند و با ایمانی که نسبت به قرآن و روایات به دست می‌آورند به خوبی می‌توانند در امور فردی و اجتماعی قرآنی زندگی کنند.

نکته ۳- دوره های معرفتی در ۲ عدد دی وی دی در اختیار عزیزان قرار گرفته است و جهت رفع اشکالاتی که عزیزان در مباحث دارند می‌توانند سوال خود را به ایمیل زیر ارسال نمایند تا در اسرع وقت اساتید موسسه ساحت حضور پاسخگو باشند.

معرفی موسسه ساحت حضور

موسسه ساحت حضور به عنوان یک سازمان مردم نهاد با هدف حرکت در مسیر تفصیل تفکر حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) بر مبنای مبانی فکری حضرت امام (حکمت قرآنی، سیره اهل البیت، فلسفه صدرایی و عرفان اسلامی) جهت ترویج گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی تاسیس گردیده است.

عناوین اهم فعالیت های موسسه ساحت حضور

- فعالیتهای آموزشی و پژوهشی
- فعالیت در فضای مجازی
- انتشارات (کتاب، جزوه، DVD)
- برگزاری همایش ها و نشست های سالیانه

فعالتهای آموزشی و پژوهشی:

- الف- برگزاری دوره های پاره وقت علوم اسلامی در دو بخش خواهران و برادران جذب و آموزش بیش از یکصدنفر در قالب ۶۰۰ کلاس درسی
- ب- برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزشی و معرفتی در دانشگاههای مختلف استان و کشور نظیر دانشگاه اصفهان- صنعتی اصفهان- پیام نور- امام صادق «علیه السلام»- یزد- اراک- شهرکرد- مشهد - صنعتی شیراز
- ج- برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزشی در حوزه های علمیه اصفهان- درچه- نجف آباد
- د- برگزاری طرح ولایت استانی در استان اصفهان ۹۱-۱۳۹۰

طرح ولایت استانی تابستان ۹۰

مشارکت موسسه در طرح ولایت استانی با اعزام ۱۰ نفر از اساتید موسسه و با مشارکت ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاههای مختلف استان اصفهان

ارایه مباحث معرفت النفس- هستی شناسی - انقلاب اسلامی- مهدویت و تمدن اسلامی در قالب ۱۷۰ جلسه توسط اساتید مجموعه

طرح ولایت استانی تابستان ۹۱

مشارکت موسسه در طرح ولایت استانی با اعزام ۷ نفر از اساتید موسسه و با مشارکت ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاههای مختلف استان اصفهان

ارایه مباحث معرفت النفس- هستی شناسی - انقلاب اسلامی- مهدویت و تمدن اسلامی در قالب ۱۵۰ جلسه توسط اساتید مجموعه

ه) برگزاری طرح ضیافت دانشگاه پیام نور اصفهان در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۱

مشارکت در طرح ضیافت دانشگاه پیام نور اصفهان با اعزام ۶ نفر از اساتید مجموعه و با شرکت ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان اصفهان

ارایه مباحث انسان شناسی و ولایت فقیه در قالب ۶۰ جلسه توسط اساتید مجموعه

و) برگزاری دوره های کوتاه مدت در مساجد اصفهان - قم - خمینی شهر - فلاورجان - طالخنچه - خمین - میبد - گلپایگان

ز) مشارکت در برگزاری دوره نسیم ظهور نهاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با شرکت ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه و با حضور ۲ نفر از اساتید موسسه در قالب ۵۰

جلسه و ارایه مباحث معرفت النفس و مهدویت پاییز و زمستان ۱۳۹۰

ح) تدوین سیر مطالعاتی و آموزشی

ط) برگزاری دوره های تربیت مربی

کثرت مخاطبین و مراجعاتی که به موسسه برای برگزاری دوره های آموزشی شده است سبب شد تا موسسه از میان طلاب عده ای را به عنوان مربی و مبلغ این گفتمان گزینش کند و در دوره های تربیت مربی توانایی و کارایی آنها را در ارایه مباحث تقویت کند که دوره اخیر با حضور ۴۰ نفر از طلاب برگزار شد.

فعالیت ها در فضای مجازی

الف - سایت www.lobolmizan.ir

ب - سایت ساحت حضور

فعالیت های انتشارات

الف- چاپ ۵۵ عنوان کتاب

ب- انتشار جزوات مربوط به مباحث معرفت دینی و گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی

ج- تکثیر DVD سخنرانی های مربوط به مباحث معرفت دینی

برگزاری همایش ها و نشست ها

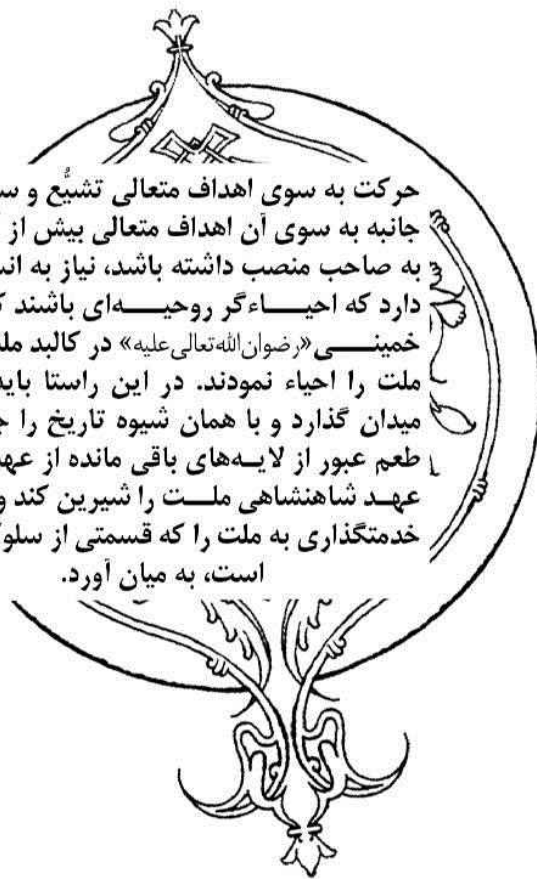
- موسسه هرساله همایش ها و نشست های ترویجی پیرامون مباحث معرفت دینی و گفتمان انقلاب اسلامی را با حضور شرکت کنندگان و علاقه مندان برگزار می نماید.

معرفی دفتر قم

این دفتر در سال ۱۳۹۰ آغاز به کار نمود و با تشکیل حلقه های مباحثه بر روی آثار استاد زمینه تبیین و تعمیق مباحث را فراهم نموده است و آماده ارایه مباحث به طلاب علاقمند می باشد.

دفتر قم : خیابان ارم- پارکینگ حرم مطهر- کوی شهید نیازمند

مقابل هتل فخر اعظم پلاک ۳۸ ۰۹۱۳۳۰۵۷۹۴۸



حرکت به سوی اهداف متعالی تشییع و سلوک همه
جانبه به سوی آن اهداف متعالی بیش از آن که نیاز
به صاحب منصب داشته باشد، نیاز به انسان‌هایی
دارد که احیاءگر روحیه‌ای باشند که امام
خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در کالبد ملت دمید و
ملت را احیاء نمودند. در این راستا باید پای در
میدان گذارد و با همان شیوه تاریخ را جلو برد تا
طعم عبور از لایه‌های باقی مانده از عهد غربی و
عهد شاهنشاهی ملت را شیرین کند و روحیه‌ی
خدمتگذاری به ملت را که قسمتی از سلوک الی الله
است، به میان آورد.